



قدرت گلزنی دی استفانو به افسانه‌ها می ماند اما نکته مهم تر این بود که خیلی خوب بلد بود در بازی های بزرگ گل بزند.

بوده. ۴ بار کفش طلای اروپا را برده که ۳ تایش با پیراهن رئال مادرید بوده. وقتی در سال ۲۰۰۹ با قراردادی ۸۰ میلیون پوندی به مادرید آمد و تبدیل به گران ترین بازیکن وقت شد، خیلی ها اصلاً فکرش را نمی کردند او اینقدر زود در تیم جا بیفتد و تبدیل به ستون اصلی لوس بلانکوس شود. او در زمانه‌ای که رئال مادرید با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کرد موفق شد با تکیه به توانایی های فردی اش یک تنه باشگاه را رقیب بارسلونا نگه دارد. خیلی ها شاید معتقد باشند حق اش این است که رونالدو را بزرگترین اسطوره تاریخ باشگاه بنامیم. کسی که به برند رئال جان تازه‌ای بخشید و زاده شده تا تاریخ سازی کند.



آلفردودی استفانو

1 انتخاب بزرگترین بازیکن تاریخ باشگاه رئال مادرید کار آسانی نیست. این همه سال و این همه بازیکن، چطور می شود به یک انتخاب رسید که مورد قبول اکثریت باشد؟ اما واقعیت این است که خیلی ها روی این گزینه توافق دارند: آلفردودی استفانو. او پیوند دهنده اصلی لوس بلانکوس به جام باشگاه های اروپا یا چیزی که امروز لیگ قهرمانان می خوانیمش بود. قدرت گلزنی دی استفانو به افسانه ها می ماند اما نکته مهم تر این بود که خیلی خوب بلد بود در بازی های بزرگ گل بزند. همین هم اسمش را جاودانه کرده. او در هر ۵ فینال اول جام باشگاه های اروپا که منجر به ۵ قهرمانی پشت سرهم رئال شد حضور داشت و در تمام فینال ها گل زد! در آخرین فینالی که حضور داشت رئال مادرید موفق شد در سال ۱۹۶۰ با نتیجه ۷ بر ۳ از سد اینتراخت فرانکفورت بگذرد. دی استفانو در آن بازی که در همپتون پارک گلاسگو برگزار می شد، هت تریک کرد. دی استفانو آرزوآینتی توانایی فوتبالی عجیبی داشت. او هم می توانست در پست مهاجم بازی کند، هم هافبک و هم خط دفاع.

آلفردودی سال ۱۹۵۳ به تیم آمد و سال ۱۹۶۴ مادرید را ترک کرد. او در این مدت برنده ۲ توپ طلا شد، ۵ جام باشگاه های اروپا را برد و چشمش به جمال ۸ جام قهرمانی باز شد. خیلی ها معتقدند فوتبال دیگر بازیکنی با توانایی های او پیدا نخواهد کرد و به خاطر همین هم به حق اسطوره باشگاه رئال مادرید است. دی استفانو یکی از بهترین گلزنان تاریخ باشگاه هم است. در ۲۸۲ بازی لالیگایی اش ۲۱۶ گل زد. آماري که تا همین چند سال پیش که رانول گونزالس آن را شکست (و بعد کریستیانو هم از آن عبور کرد) بی همتا بود. آلفردودی در حال حاضر ششمین گلزن تاریخ لالیگا است و در تاریخ ال کلاسیکو هم بیشتر از همه گل زده (البته در این آمار با کریستیانو مشترک است). او در کل ۳۹۶ بار با پیراهن رئال در مسابقات مختلف به میدان رفت و ۳۰۸ گل زد.

داشت و رئال در حال تبدیل شدن به بزرگترین تیم اروپا بود. سن کم او باعث شد تا هم در ۵ دوره اول جام باشگاه های اروپا در ترکیب باشد و هم در قهرمانی ششم که در سال ۱۹۶۶ به دست آمد. درباره کیفیت بازی او گفته می شود بهترین گوش چپ تاریخ باشگاه است. از نظر سرعت در حد و اندازه های بیل و رونالدو امروزی بوده و بازی اش خیلی ها را هم شگفت زده می کرده است. قدرت دربیبل او چیزی شبیه به مسی بوده و سانترهایش شبیه به دیوید بکام. او شانس این را داشت که در کنار بازیکنان بزرگی مثل آلفردودی استفانو، ریموند کوپا و فرانس پوشکاش بازی کند و تبدیل به بخش مهمی از بهترین تیم قرن بیستم شود.



کریستیانورونالدو

2 رونالدو لقب های زیادی دارد اما شاید بهترین لقب برایش این باشد: «شکننده رکوردها». او در سال های حضورش در رئال یکی یکی رکوردها را مال خود کرد. ۴۳۸ بار برای تیم به میدان رفت و ۴۵۰ گل به ثمر رساند! در لالیگا ۲۹۲ بار بازی کرد و ۳۱۱ گل زد! در مسابقات اروپایی ۱۰۱ بار بازی کرد و ۱۰۵ گل زد. تعداد گل های او همیشه بیشتر از بازی هایش بوده. بهترین گلزن تاریخ باشگاه در یک فصل؟ رونالدو با ۶۱ گل در فصل ۱۵-۲۰۱۴. بهترین گلزن باشگاه در یک فصل اروپا؟ کریستیانو رونالدو با ۱۷ گل در فصل ۱۴-۲۰۱۳. بیشترین هت تریک تاریخ باشگاه؟ رونالدو. آمارهای بسیاری که او از چنگ قدیمی های رئال مثل پوشکاش و دی استفانو ربود.

او کمک کرد تا باشگاه به ۴ قهرمانی آخرش در مسابقات اروپایی برسد. رونالدو در مسابقات اروپایی واقعاً حلال مشکلات رئال بود. گرچه ۹ سال برای رئال بازی کرد اما فقط ۲ بار موفق به قهرمانی در لالیگا شد. رونالدو ۵ بار توپ طلا را برده که ۴ بارش با پیراهن رئال مادرید

راموس ۱۱ بار در تیم منتخب سال فیفا بوده. افتخاری که هیچ مدافع دیگری به آن نرسیده است. او همچنین ۸ بار در تیم منتخب یوفا بوده که هیچ مدافع دیگری تکرارش نکرده. ۵ بار بهترین مدافع لالیگا شده و خیلی ها اعتقاد دارند در شرایط فعلی او بهترین مدافع وسط جهان است. افتخارات او با رئال اصلاً کم نیست. ۵ بار فاتح لالیگا شده، ۴ بار لیگ قهرمانان را برده، ۲ بار کوپا دل ری، ۴ بار سوپرکاپ اسپانیا، ۳ بار سوپرکاپ اروپا و ۴ بار هم فاتح جام باشگاه های جهان شده.

بخشی از قهرمانی های مهم رئال در قرن بیست و یکم با تلاش های راموس به دست آمده. چه در دفاع و چه زمانی که تیم نیاز به گل داشته.



فرانس پوشکاش

4 ۲۶۲ بازی و ۲۴۲ گل. همین شاید برای توصیف فرانس پوشکاش مجار کافی باشد اما اگر کمی ماجرا را جزئی تر ببینیم، حتماً متوجه می شوید که ارزش این عدد خیلی بیشتر از این حرف ها است. پوشکاش در سال ۱۹۵۸ به تیم آمد. زمانی که ۳۱ سال داشت و قبل از آن فقط در بوداپست توپ زده بود. سن بالای او باعث شده بود تا طرفداران رئال مادرید در روزهای نخست مخالف حضورش باشند اما پوشکاش تا سال ۱۹۶۶ یعنی ۳۹ سالگی در تیم ماند و فقط در لالیگا ۱۵۶ گل زد. پوشکاش ۴ بار بهترین گلزن لالیگا شد و جایزه پیچیچی را برای خود کرد. او کمک کرد تا تیم به سه قهرمانی در اروپا و ۵ قهرمانی در لالیگا برسد (۵ قهرمانی پشت سرهم!) پوشکاش چارچوب شناس عجیبی بود. چشم بسته دروازه را پیدا می کرد. این روزها شاید خیلی ها فرانس پوشکاش را به یاد نیاورند اما آمار گلزنی های او چیزی نزدیک به یک گل در هر بازی بوده. افتخاری که فقط رونالدو موفق شد به آن نزدیک شود.



باکو جنتو

3 شاید برای تان سؤال باشد که چرا جنتو چنین رده بالایی در بین اسطوره های رئال مادرید دارد. جوابش اما آنقدرها هم سخت نیست. او ۶ جام اروپایی در کارنامه اش دارد. افتخاری که هیچ فوتبالیست دیگری در تاریخ ندارد. ۱۲ بار لالیگا را برده که هیچ بازیکن دیگری تا به حال به این افتخار نرسیده و به طور کلی ۸ بار در فینال های اروپایی حاضر بوده. افتخاری که آن را با پائولو مالدینی شریک است. جنتو البته توانایی های زیادی هم داشت. این گوش چپ اسپانیایی که تا قبل از حضور در رئال فقط برای ریسینگ سانتاندر بازی کرده بود، از سال ۱۹۵۳ به پایتخت اسپانیا آمد و تا سال ۱۹۷۱ در تیم باقی ماند. وقتی به رئال مادرید آمد تازه بیست سال

میراثی که او در جذاب ترین تورنمنت فوتبالی جهان از خود به جای گذاشت تا همین امروز هم ادامه دارد چراکه او در حال حاضر سومین گلزن برتر این رقابت ها است و در بیشترین فصول متوالی موفق به گلزنی شده است و همچنین با زدن ۵۳ گل، بیشترین تعداد گل زده در مرحله گروهی را در کارنامه خود دارد. قطعه دیگری از کارنامه درخشان رانول می گوید که او اولین بازیکنی است که در دو فینال موفق به گلزنی شده، همین امر نشان می دهد که او چه بازیکن کارآمد و مفیدی در تمام سال ها بوده است.

رانول که اکنون ۴۳ ساله است نقشی اساسی در بزرگتر شدن تیم مادرید داشت. نه فقط برای گلزنی های فوق العاده اش بلکه به خاطر توانایی زیادش در هدایت تیم از سال ۲۰۰۳، وقتی که بعد از جدا شدن فرناندو هیرو بازوبند کاپیتانی را بر بازوی خود بست.

با اینکه تنها بخش کوچکی از ۱۶ عنوان قهرمانی را به عنوان کاپیتان تیم تجربه کرد اما استقامت بالایی که داشت، الهام بخشی اش برای دیگر بازیکنان و همینطور تمایل شدیدش برای بهتر شدن عملکرد تیم باعث شد تا به عنوان یکی از بزرگترین، تأثیرگذارترین و قابل اعتمادترین رهبران باشگاه در تمام دوران ها تلقی شود.

با علاقه فلورنتینو پرس به پر زرق و برق کردن چهره باشگاه و در اختیار گرفتن بزرگترین نام ها از سرتاسر جهان، این خطر وجود داشت که رانول دیگر دیده نشود. همه فکر می کردند که ورود رونالدو نازاریو، لوئیس فیگو و دیوید بکام، موقعیت باشگاه را به عنوان یکی از برترین قدرتها تقویت می کند اما ورود آنها تغییر اساسی برای همه به وجود آورد حتی برای رانول.

در طول دوران حضور رانول در رئال مادرید اتفاقات زیادی رخ داد. چهره های مشهوری آمدند و رفتند، سیاست های باشگاه تغییر کرد، قهرمانی هایی به دست آمد و از دست رفت اما چیزی که همیشه ثابت مانده بود اشتیاق، رهبری و تأثیر شگرف کاپیتان سابق باشگاه بود. مدت ها قبل از کهکشانی ها، لادسیما، کریستیانو رونالدو و بی بی ثباتی های مربیان، این اسپانیایی گلزن بود که تعادل، عشق و ثبات را برای باشگاه به ارمغان می آورد. او تمام تلاشش را می کرد تا تیم در این دوران پر فراز و نشیب متمرکز باقی بماند.

در نهایت، بزرگترین ستاره های دنیای ورزش معمولاً با توجه به میراثی که از خود به جای می گذارند قضاوت می شوند. هر ستاره ای روزی به پایان راه می رسد. خیلی ها فراموش می شوند و خیلی ها هم نه. رانول از آن قشر بازیکنانی است که همیشه در یادها خواهد ماند.

درست است رونالدو موسی که استعدادی ماورایی داشتند از خیلی جهات از او پیشی گرفتند اما رانول بازیکن متفاوتی بود و استعدادهای بی نظیری هم داشت. او به راستی شایسته است که به عنوان یکی از بزرگترین بازیکنان تمام دوران ها شناخته شود.



سرخوراموس

5 کاپیتان فعلی باشگاه از سال ۲۰۰۵ در رئال مادرید توپ می زند. شاید کمتر کسی فکرش را می کرد به این زودی ها کسی روی دست فرناندو هیرو در خط دفاعی بلند شود و لقب رئال مادرید را بیکد بشکند اما سرخیو این کار را انجام داد. او مدافعی کم نظیر و غیرتی است که البته راه و رسم گلزنی را هم به خوبی بلد است. آنقدر که حتی فرهنگ جدیدی را در این باشگاه قدیمی بنا کرده. حالا دیگر هر بازیکنی در دقایق پایانی گلزنی کند، می گویند «این گل در راموس تایم به دست آمده». اشاره ای دوست داشتنی به گل های سرنوشت ساز او در دقایق پایانی که منجر به پیروزی های مهمی در تاریخ باشگاه شده.

راموس مدافعی کم نظیر و غیرتی است که البته راه و رسم گلزنی را هم به خوبی بلد است

